



روز جهانی زن؛ پیشرفت زنان در جهان پسرفت در ایران



صادق کار:

رفع تبعیضات جنسیتی میان زنان و مردان و برقراری آن چنان مناسباتی در جامعه که در آن اثری از تبعیض، باقی نماند و زن و مرد در همه‌ی زمینه‌ها از حقوق مساوی برخوردار شوند، انگیزه‌ی اصلی بنیان‌گذاران روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن در کنگره‌ی ۱۹۱۱ بین‌الملل سوسیالیست در کپنهاگ دانمارک بود.

در آن روزگار تبعیض جنسیتی به شدت در جهان و حتی در کشورهای صنعتی بیداد می‌کرد. زنان در اکثر کشورها از حق رای و انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم بودند و در مقابل کار مساوی با مردان، دستمزد کمتری می‌گرفتند و شغل‌های مهم به آنها داده نمی‌شد و در ایران و کشورهای توسعه نیافته وضع زنان حتی بدتر بود. اما به هر حال در اکثر کشورهای جهان در پرتو جنبشی که هشت مارس به وجود آورد و تغییرات مهمی که در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رخ داد، گرچه تبعیض جنسیتی به کلی رفع نشد، اما پیشرفت‌های چشم‌گیری به تدریج در این عرصه صورت گرفت که سبب بهبود حقوق زنان، به ویژه در جوامع پیشرفته شد.

توسعه‌ی گسترده‌ی جنبش هشت مارس به ایران که با همت اشخاص و سازمان‌های نوپیدا چپ صورت گرفت و تبلیغ و ترویج ایده‌ی برابری بین مرد و زن توسط آنها در

شکل‌گیری جنبش زنان و بهبود وضعیت زنان ایرانی نقش اساسی داشت و همچنان دارد. در دوران پس از انقلاب اما تلاش برای پس راندن زنان از جامعه و بازار کار و پس گرفتن دست‌آوردها و حقوق زنان، توسط حاکمان جدید که بدون حمایت وسیع زنان از انقلاب محال بود راه عروجشان به سوی قدرت هموار شود، شروع شد. و مرتجعین حاکم در این راه از هر وسیله‌ی مشروع و نامشروعی برای خانه‌نشین و بی‌حقوق کردن زنان بهره گرفتند و هنوز هم سعی می‌کنند با تصویب قوانین محدود کننده، اسیدپاشی، چاقو زدن زنان، گشت ارشاد، تفکیک جنسیتی، ایجاد محدودیت برسر راه تحصیل و اشتغال زنان و اقدامات دیگر زنان را از حقوق شان محروم و آنها را به عقب برگردانند.

گرچه به خاطر تجربیات قبل از انقلاب و هوشیاری و مقاومت زنان، مرتجعین نتوانسته‌اند به تمام امیال متحجرانه‌شان دست یابند، ولی در زمینه‌ی محدود کردن حضور زنان در بازار کار - به رغم پیشی گرفتن زنان در تحصیلات عالی - موفقیت نسبی به دست آورده‌اند. به یک معنا می‌شود گفت که سهم زنان از بازار اشتغال در ۳۵ سال گذشته تنها حدود ۲ تا ۳ درصد رشد داشته و هم‌اکنون بین ۱۱ تا ۱۳ درصد تخمین زده می‌شود. نرخ بیکاری زنان مطابق منابع رسمی ۱۹ تا ۲۱ درصد و تقریباً دوبرابر مردان تخمین زده می‌شود. هرچند بر اساس تخمین کارشناسان مستقل،



میزان واقعی بیکاری زنان بسیار بیشتر از این رقم است.

با این‌که در ماده‌ی ششم قانون کار اعمال هر نوع تبعیضی، از آن جمله تبعیض جنیستی در پرداخت دستمزد منع شده است، تفاوت دستمزد دریافتی بین زنان و مردان به استثنای برخی واحدها و ادارات دولتی، افزایش یافته و حتی در مواردی رسمی شده است و به این بهانه که مرد چون سرپرست خانواده است باید مزد بیشتری بگیرد، به کارگر و کارمند زن برای کار مشابه و مساوی، حقوق نامساوی پرداخت می‌کنند. در بخش خصوصی، به ویژه در میان کارگاه‌های کوچک و متوسط که وضع کارگران مرد از لحاظ میزان دستمزد اسفبار است، وضع زنان به مراتب اسفبارتر است.

تلاش‌های اتحادیه‌های کارگری در کشورهای مختلف و برخورد قانونی و مجازات مدیران و صاحب‌کارانی که سعی در سوءاستفاده‌ی جنسیت‌ی از کارمندان و کارگران زن می‌کنند، سبب تقلیل و یا از بین رفتن این‌گونه اعمال گردیده است. اما در ایران، برعکس، به نسبت گذشته، این‌گونه سوءاستفاده‌ها زیاد شده و زنانی که مورد چنین سوءاستفاده‌هایی واقع می‌شوند، اکثراً به دلایل گوناگون حتی جرأت شکایت هم ندارند.

با این‌که قانون کار کارفرمایان را مکلف به ایجاد شیرخوارگاه در محل کار نموده و وضعیت تأهل زنان قانوناً نباید مانعی در راه استخدام و مرخصی زایمان زنان شاغل ایجاد کند، اکثر کارفرمایان از استخدام زنان باردار و بچه‌دار و ایجاد شیرخوارگاه استنکاف می‌ورزند و زنان باردار را از کار اخراج می‌کنند.

همین مسئله و عدم حمایت ادارات کار و سایر مجریان و ناظران قانون از شاغلین زن، موجب افزایش محدودیت‌هایی می‌شوند که بر سر راه اشتغال زنان درست شده‌اند. به عبارتی باید گفت که در این زمینه نیز به نوعی تبعیض علیه اشتغال زنان نسبت به گذشته تشدید شده و عملاً اختیار زندگی، ازدواج و بچه‌دار شدن زنان در دست کارفرما قرار دارد.

به هر جهت وضعیت زنان ایران، متأسفانه از حیث حقوقی با وجود تمام مقاومت‌ها و مبارزات جنبش زنان، در مقایسه با اکثر کشورهای که زنان در حوزه‌های مختلف پیش رفته‌اند و حقوق و شرایط زندگی‌شان بهبود یافته است، پست‌رفت نموده است. با این همه جنبش زنان ایران به خاطر ویژگی‌های منحصر به فردش در کشور و منطقه، قادر خواهد شد با تداوم مبارزات زنان حق و حقوق پایمال شده‌اش را احیا و ارتقا دهد.

این در حالی است که سهم زنان در کشورهای پیشرفته بین ۴۶ تا ۵۰ درصد و در چین، مالزی، کره و ویتنام، در مقابل هر ۱۰۰ مرد شاغل ۸۵ زن شاغل وجود دارد. آمار اشتغال زنان در این کشورها طی ۲۵ سال گذشته حدوداً دو برابر شده و در پاره‌ای رشته‌های شغلی، مانند صنایع نساجی، الکترونیک و کشاورزی نرخ مشارکت زنان ۷۵ درصد و مردان ۲۵ درصد است.

از طرف دیگر پیشرفت فن‌آوری سبب افزایش نرخ مشارکت زنان در مشاغلی شده که قبلاً در اختیار مردان بود. در همین مدت در حالی که تعداد زنان مدیر در ایران به نسبت جمعیت شاغل به رغم افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان و سطح دانش و تخصص زنان، به طرز فاحشی کاهش یافته و آنها حتی در انتخاب شغل به کلی آزاد نیستند، در کشورهای جنوب شرقی آسیا و به اعتباری در اکثر کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، درصد مدیران زن افزایش نشان می‌دهد.

بر اساس پیش‌بینی‌ها نرخ مشارکت زنان در ایران قرار بود طی پنج سال، از ۹/۱۲ درصد در سال ۸۳ به ۲/۱۶ درصد در سال ۸۸ افزایش یابد، و فراتر از آن، میزان بیکاری زنان فارغ‌التحصیل قرار بود طی همین مدت از ۲۳/۶ به ۹/۲ درصد تقلیل پیدا کند. اما باگذشت ۱۰ سال این پیش‌بینی‌ها درست از کار درنیامدند و میزان بیکاری زنان تحصیل کرده اکنون حتی بنا بر آمارهای رسمی بیش از دوبرابر رقم پیش‌بینی شده برای سال ۸۸ است. سهم مشارکت مردان از اشتغال در همین مدت ۴/۶۵ درصد و به عبارتی بیش از چهار برابر زنان بوده است. در کشوری که قانون پشت قانون برای خانه‌نشین کردن زنان به تصویب می‌رسد، معلوم است که نرخ مشارکت با گذشت زمان بدتر از پیش شود.

اختلاف دستمزد میان زن و مرد متأسفانه هنوز حتی در پیشرفته‌ترین کشورها کاملاً از بین نرفته است، اما آمارها کاهش فاصله بین دستمزد زنان با مردان را در اکثر کشورهای و از بین رفتن این فاصله در میان برخی از گروه‌های مزدبگیران در کشورهای پیشرفته را نشان می‌دهند. به عنوان نمونه رتبه‌ی جنسیتی در ایران که از شاخص‌های وضعیت زنان است و از سه شاخص، بهداشت، آموزش، اقتصاد و کسب درآمد تشکیل شده، نشان می‌دهد که وضعیت زنان در ترکیه، اردن، عربستان، مالزی و بحرین بهتر از ایران است. در این رده‌بندی ایران در میان ۱۲۴ کشور، رتبه‌ی ۸۲، عربستان ۷۲، اردن ۷۶، مالزی ۵۱ و بحرین رتبه‌ی ۲۶ را دارد. البته، اگر آمارگیری جدیدی صورت بگیرد، احتمالاً وضع ایران با تغییرات منفی‌ای که در شاخص‌ها رخ داده بدتر هم شده است.



از تجربه دیگران

اتحادیه‌های کارگری و دموکراسی در آمریکای لاتین - ۶ -

استیون لوبتسکی و اسکات مینوارینگ

بخش سیاست‌های تطبیقی دپارتمان مطالعات دکترای علوم
سیاسی دانشگاه شهری نیویورک

ترجمه: گودرز



۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹: جشن مردم نیکاراگوئه، پس از سقوط سوموزا

نمونه‌ی کشورهای با ارتباط جنبش کارگری و احزاب پوپولیست و مارکسیست

مکزیک:

از ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۰ بخش عمده‌ی جنبش کارگری از دولت فراگیر و تمامیت‌خواهی که بعد از انقلاب ۱۹۱۰ پدید آمد، حمایت نموده است. دولت پسانقلابی حاکم برای بسیج حمایت کارگران، منافع مادی و تشکیلاتی فراوانی را، به ویژه در دوران ریاست جمهوری کاردیناس (۱۹۳۴-۱۹۴۰) به آنان عرضه کرد. رژیم این دوران با وجود آن که انتخابات دوره‌ای را همواره اجازه می‌داد، اما در هیچ زمانی دموکراتیک نبود. میدان بازی انتخابات فضای برابری نبود و رژیم گاه به خشونت روی می‌آورد و بالطبع تقلب و خرید رای لازمه‌ی کار بود.

کنفدراسیون کارگران مکزیک (CTM) و سایر اتحادیه‌های کارگری، حتی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ زمانی که ریاضت اقتصادی درآمد کارگران را با شیب نزولی چشم‌گیری روبرو نمود، در حمایت‌شان از حزب سازمان انقلابی (PRI) بی‌تردید بودند. در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۹۸۰ که جنبش دموکراسی خواهی شکل گرفت، CTM به عنوان یکی از

بازوهای پایه‌ای PRI در استبداد و بر ضد رفرم شناخته می‌شد. هم از این‌رو، جنبش کارگری مکزیک نمونه‌ی نادری در این تحقیق است که در آن بخش عمده‌ی تشکیلات کارگران فعالانه علیه تغییرات دموکراتیک اقدام کرد.

نیکاراگوئه:

مانند مکزیک، ارتباط غالب حزبی- سیاسی جنبش کارگری در نیکاراگوئه در زمینه‌ی رهبری رژیم انقلابی شکل گرفت. تشکیلات کارگری فعالانه در سرنگونی دیکتاتوری آناستازو سوموزا شرکت کردند و مرکز کارگران ساندینیست (CST) از دولت جبهه‌ی آزادیبخش ملی ساندینیستی (FSLN) که در ۱۹۷۹ ظهور کرد، قاطعانه حمایت نمود. رژیم پسانقلابی فراگیر و حامی کارگران و زحمت‌کشان بود. ساندینیست‌ها جنبش کارگری را قوام بخشیدند و به آن امکان دسترسی بی‌سابقه به قدرت و دولت را عرضه نمودند. اما رژیم در تیلور دموکراسی خواهی کوتاه آمد. گرچه انتخابات در ۱۹۸۴ برگزار شد، اما به آزادی‌های مدنی و سیاسی تجاوز می‌شد. حق اعتصاب محدود شد و مخالفین دولت مرتباً با مزاحمت روبرو می‌شدند و روزنامه‌ی مخالفین لاپرنسا برای مدت طولانی بسته شد.

CST در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰، علی‌رغم نزول سطح استاندارد زندگی کارگران که از سقوط اقتصاد پس از ۱۹۸۴ ناشی می‌شد، همچنان به مثابه‌ی ستون اصلی دولت ساندینیستی باقی ماند. بین ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ در نیکاراگوئه متوسط درآمد واقعی ۳۰٪ و حقوق واقعی ۷۵٪ سقوط کرد. مع‌ذالك رهبران CST طرفدار ساندینیست‌ها باقی ماندند و با جنبش دموکراسی خواهی که در پایان دهه‌ی ۱۹۸۰ ظهور کرد مخالفت کردند. آنان چنین می‌کردند چون از دسترسی بی‌سابقه به قدرت و منافع مادی و سازمانی منتفع بودند و بدیل دموکرات رژیم «دوستدار کارگران» دیده نمی‌شد.

پرو:

تحت رهبری پوپولیستی (۱۹۴۴-۱۹۶۸) و مارکسیستی (بعد از ۱۹۸۶) جنبش کارگری پرو موضعی ابزارى نسبت به دموکراسی اتخاذ نموده بود. در ۱۹۴۸ کنفدراسیون کارگری پرو (CTP) با اتحاد خلقی-انقلابی آمریکا (APRA) در حالی که علیه دولت انتخابی حوزه لویس بوستامنته بسیج نیروی گاه خشونت‌آمیز می‌کرد، مشارکت نمود. این اقدامات سرانجام کودتایی را کلید زد. در دهه‌ی ۱۹۷۰ هم کنفدراسیون عمومی کارگری پرو (CGTP) از دولت نظامی پوپولیست ژنرال خوان ولاسکو (۱۹۶۸-۱۹۷۵) پشتیبانی کرد. دولت نظامی وجود ندارد و لذا منافع‌شان بیشتر در همکاری با دولت موجود حفظ می‌شود.



از مشاهدات بالا می‌توان نتیجه گرفت که اقدام تشکل‌های کارگری علیه دموکراسی پس از ۱۹۴۵ در آمریکای لاتین بسیار گسترده بود. در مکزیک (۱۹۴۵-۲۰۰۰)، نیکاراگوئه (۱۹۷۹-۱۹۹۰)، پرو (۱۹۶۸-۱۹۷۵) و آرژانتین (۱۹۴۶-۱۹۵۵) جنبش‌های کارگری از حکومت‌های غیر دموکراتیک حمایت نمودند.

در شیلی آغاز دهه‌ی ۱۹۷۰ و در بولیوی و پرو در دهه‌ی ۱۹۸۰ اتحادیه‌ها اهداف انقلابی را چنان پیگیر شدند که رژیم‌های دموکراتیک را به خطر می‌انداختند. رفتار غیر دموکراتیک به ویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، زمانی که بدیل‌های مستبد اما فراگیر محتمل می‌نمودند، بیشتر معمول بود. جنبش‌های کارگری در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به سوی دموکراسی متمایل شدند، اما این شیفت بیشتر از آن رو بود که بدیل فراگیر غیر دموکراتیک وجود نداشت که منافع‌شان را تضمین نماید.

بنابراین پس از آنکه در آغاز با کودتای ۱۹۶۸ مخالفت نموده بودند، به مرور از دولت نظامی حمایت کردند؛ حمایتی که حتی بعد از ولاسکو هم تا ۱۹۷۵ که جانشین وی ژنرال فرانسیسکو مورالس برمودز به راست‌روی کشیده بود، ادامه یافت. در نهایت در ۱۹۷۷ که امواج بسیج عمومی علیه دولت آغاز شد CGTP به جنبش پیوست.

گرچه بسیج کارگری در سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۸ نقش عمده‌ای در حرکت رفرم دموکراتیک به جلو بازی کرد، CGTP همچنان نگاهی ابزاری به رژیم دموکراتیکی که در ۱۹۷۹ ظهور کرد نشان داد. بسیاری از احزاب عضو جبهه‌ی چپ که حمایت شده‌ی CGTP بودند، اصول لیبرال دموکراسی را رد می‌کردند و همچنان متمایل به قیام عمومی و جنبش انقلابی بودند. قطبی شدن جامعه و خشونت چریکی پایه‌گذار «خودکودتای آلبرتو فوجیموری در ۱۹۹۲ شد. فوجیموری که از طریق انتخابات در ۱۹۹۰ به قدرت رسیده بود به ناگهان در ۱۹۹۲ تمام سازمان‌های دموکراتیک را منحل کرد و تا سال ۲۰۰۰ قدرت را در قبضه خود نگاه داشت. این اقدام را اتوگولپ- خودکودتا نامیده‌اند (Autogolpe-Self Coup).

📖 اخبار خارجی:

قبرس:

کارگران شرکت برق قبرس؛ نبرد قطعی علیه خصوصی سازی

پست قبرس، ۴ مارس ۲۰۱۵



اکثریت قاطع کارگران شرکت برق قبرس به رهبران اتحادیه‌شان چک سفید می‌دهند تا در صورت لزوم برای خنثی کردن برنامه‌هایی که برای خصوصی کردن نیروگاه‌های دولتی وجود دارند، اعلام اعتصاب کنند.

آرای اخذ شده در گردهم‌آیی‌های منطقه‌ای حاکی از موافقت ۹۵ تا ۹۸ درصد کارگران با دادن اختیار به اتحادیه‌های کارگری شرکت برق قبرس، برای دست زدن به

ونزوئلا:

کنفدراسیون کارگری ونزوئلا (CTV) متناوباً یک بازیگر دموکراسی در صحنه‌ی سیاسی پنج دهه بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۸ باقی ماند. بعد از کودتای ۱۹۴۸، CTV در مقابل با دیکتاتوری پرز خیمنز در دهه‌ی ۱۹۵۰ نقشی مرکزی بازی کرد و قاطعانه از تغییرات دموکراتیک در ۱۹۵۸ حمایت نمود. در چهار دهه‌ی اولیه‌ی رژیم دموکراتیک جدید هم رهبران CTV نقش میانه‌روانه‌ای در سیاست و روابط کارگری ایفا کردند و از رژیم دموکراتیک در مقابل خواست‌های تندتر برای تامین منافع طبقاتی اعضا دفاع کردند. آنان این موضع را در شرایطی اخذ نمودند که جنبش چریکی چپ فضای سیاسی آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ را رادیکالیزه کرده بود.

همکاری CTV با دولت‌های دهه‌ی ۱۹۶۰ به واقع کمک کرد تا از دو قطبی شدن ضد دولتی جامعه پیش‌گیری شود؛ امری که سایر کشورهای منطقه را در این دوران تحت فشار قرار داده بود.

رابطه‌ی CTV با دموکراسی پس از انتخاب رهبر کودتای سابق هوگو چاوز در ۱۹۹۸ در ابهام فرورفت. مبالغات انقلابی چاوز و روش مستبدانه‌اش در حکومت که از جمله مهندسی کنترل اتحادیه‌های کارگری را شامل می‌شد، نخبان ونزوئلا را به این باور رسانید که او قصد دارد حکومت تمامیت‌خواهی را بر سر کار بیاورد. در چنین زمینه‌ای بود که CTV فعالانه در بسیج برای سرنگونی چاوز از طرق غیر قانونی، از جمله حمایت از کودتای ناموفق علیه چاوز در ۲۰۰۲، اقدام کرد.



قبرس، نامه‌ای به پردیکس فرستادند و از «علاقه‌ی خالصانه‌ی» او به موضوع تشکر کردند.

شرکت برق قبرس یکی از مؤسسات دولتی است که برنامه برای خصوصی سازی آن وجود دارد. قبرس برای بازپرداخت وام بین‌المللی ۱۰ میلیارد یورویی‌اش، باید در کادر توافقات ناظر بر این وام‌ها تا سال ۲۰۱۶ حداقل یک میلیارد یورو از محل خصوصی سازی و ۰/۴ میلیارد یورو از منابع دیگر فراهم آورد. خصوصی سازی شرکت برق تا سال ۲۰۱۸ کامل خواهد شد.

شرکت‌های دولتی دیگری که برای خصوصی سازی منظور شده‌اند، یکی شرکت مخابرات و دیگری شرکت کشتیرانی قبرس است. اتحادیه‌های شرکت برق اخطار می‌دهند که خصوصی سازی تأسیسات برق به نتیجه‌ی معکوس برای مصرف کنندگان منجر خواهد شد، زیرا بهره‌وران خصوصی قطعاً قیمت‌های انرژی را بالا خواهند برد.

در چند سال اخیر قبرس بر مبنای قدرت خرید مردم، در رده‌ی گران‌ترین تولیدکننده‌ی برق برای مصارف خانگی در اتحادیه‌ی اروپا قرار گرفته است.

* * * * *

تونس:

یک هفته اعتصاب معلمان

معلمان دوره‌ی متوسطه در تونس تمام این هفته در اعتصاب‌اند. آن‌ها خواهان افزایش بودجه‌ی آموزش و پرورش، و خاصه افزایش حقوق‌اند.

اتحادیه‌ی همبستگی بین‌المللی، ۲ مارس ۲۰۱۵

معلمان دوره‌ی متوسطه در تونس تمام این هفته در اعتصاب‌اند. آن‌ها خواهان افزایش بودجه‌ی آموزش و پرورش، و خاصه افزایش حقوق‌اند. حقوق معلمان تونس از عهده‌ی تورم بالای موجود در این کشور برنمی‌آید.

به گفته‌ی اتحادیه‌ی معلمان، این اعتصاب معلمان از حمایت صدرصد آنان برخوردار است. انتخاباتی که در پایان سال گذشته در تونس برگزار شد، به دولتی با حضور بسیاری از عناصر نظام دیکتاتوری سرنگون شده انجامیده است. از جمله رهبر یکی از احزاب، که یکی از وزرای رژیم بن‌علی بوده است.

دولت متعهد شده است که "هزینه‌های دولتی را محدود کند و از کسری بودجه بکاهد". این یکی از شروط وام‌دهندگان بین‌المللی نیز بوده است.

«اقدامات دینامیک»، از جمله اعتصاب‌اند. این اقدامات در صورتی که دولت بخواهد برنامه‌ی خصوصی سازی را به اجرا بگذارد، عملی خواهند شد.

رسانه‌های روزانه که این خبر را اعلام کرده‌اند، به نحو طعنه‌آمیزی این درصدها را با حمایت‌های اعلام شده از ماکاریوس، رییس جمهور قبرس، در انتخابات ملی مقایسه کرده‌اند.

تا کنون گردهم‌آیی‌های در مناطق چریسوچوس، پافوس، فاماگوستا، لارناکا و دکلیا برپا شده‌اند. تا روز جمعه هم نشست‌هایی در ۴ منطقه‌ی دیگر برگزار خواهند شد.

اتحادیه‌ها نسبت به برنامه‌های دولت برای خصوصی سازی مؤسسات دولتی و تغییر در کیفیت عمل بازار نگرانند.

آن‌ها خواهان آن‌اند که وزارت نیرو پیش‌نویس طرحی را که به منظور کاستن از پرسنل شرکت برق قبرس، فروش دارایی‌های آن به سرمایه‌گذاران خارجی و اجاره‌ی سودآورترین نیروگاه‌های آن به بخش خصوصی، تهیه شده است، باطل اعلام کند.

گنورگوس لاکوتربیس، وزیر نیروی قبرس، با گفتن این‌که "پیش‌نویس چیزی جز نتایج تبادل نظر مسئولان در مورد تغییرات بازار انرژی نیست"، می‌کوشد آن را کم‌اهمیت جلوه دهد.

هفته‌ی گذشته لاکوتربیس، پیش از عزیمت به مسکو، با نمایندگان اتحادیه‌ها دیدار داشت و قول داد که دیدارها تکرار شوند.

هم او و هم رییس «کمیسیون خصوصی سازی»، کنستانتینوس هرودوتوس، با دشواری آشکاری مدعی‌اند که هنوز تصمیمی برای تفکیک شرکت برق قبرس و خصوصی سازی آن گرفته نشده است. این در حالی است که «واحد» خصوصی سازی «برای انجام مطالعه‌ی در چگونگی‌های تفکیک شرکت برق از شرکت‌های مشاور مستقل» درخواست قیمت کرده است. اتحادیه‌ها خواهان منتفی کردن درخواست‌اند.

در این میان سیاستمداران قبرس در حال سبک سنگین کردن وضع‌اند. گنورگ پردیکس، نماینده‌ی مجلس از حزب سبزها، خواهان توضیح کمیسیون تجارت مجلس در این باره شده است، که مگر رییس کمیسیون خصوصی سازی نیز وظیفه دارد در جریان تجدید سازمان‌دهی بخش انرژی قرار گیرد.

روز دوشنبه‌ی گذشته، رهبران اتحادیه‌های اصلی شرکت



آرژانتین:

اعتصاب معلمان برای افزایش حقوق و شرایط کار بهتر

اتحادیه‌ی همبستگی بین المللی، ۴ مارس ۲۰۱۵

معلمان آرژانتین به یک اعتصاب دو روزه دست زده‌اند. آنان خواهان حقوق و بودجه‌ی بیشتر برای مدارس‌اند.



دفاع از آموزش همگانی و بهبود آن از مطالبات مقدم معلمان آرژانتین است

معلمان آرژانتین به یک اعتصاب دو روزه دست زده‌اند. آنان خواهان حقوق و بودجه‌ی بیشتر برای مدارس‌اند. با آن که تورم در آرژانتین برابر ۲۳ درصد است و حقوق معلمان کفاف هزینه‌های سنگین زندگی را نمی‌دهد، اما آنان برای غلبه بر شلوغی فوق‌اندازه‌ی کلاس‌ها، خواهان استخدام معلمان بیشتری‌اند. آن‌ها همچنین می‌خواهند که بودجه برای مرمت ساختمان‌ها و مدارس در حال فروپاشی افزایش یابد.

اعتصاب در ۶ تا از ۱۷ استان کشور برپا شده است. رهبران معلمان می‌گویند که اعتصاب از حمایت صددرصد اعضای آنان برخوردار است.

معلمان در بسیاری از شهرهای آرژانتین دست به راهپیمایی زدند. آنان می‌گویند که تا تأمین خواسته‌هایشان به مبارزه ادامه خواهند داد و در صورت لزوم در روزهای ۱۱ و ۱۲ مارس نیز اعتصاب خواهند کرد.

این اکسیون از زمره‌ی آخرین اقدامات از یک کارزار بلندمدت در آرژانتین برای افزایش بودجه‌ی آموزش و پرورش در این کشور است. مدارس این کشور با کمبود بودجه‌ی حاد مواجه‌اند.

یکی از معلمان اعتصابی می‌گوید: "دولت می‌خواهد ما بابت وضع آموزش حساب پس دهیم، اما مشکل در جای دیگری است. ما چگونه می‌توانیم آموزش‌های پایه‌ای را به دانش آموزانمان عرضه کنیم در حالی که در کلاس‌های درس جای سوزن انداختن نیست و قدرت خرید هم هر ماه کمتر و کمتر می‌شود؟"



همبستگی دانش‌آموزان با معلمان‌شان: ما برای یک سیستم آموزشی بهتر با معلمان‌مان

این تعهد عملاً به افزایش تورم در اثر کاهش یارانه‌ها شده و وضع خدمات عمومی، از جمله مدارس، را بدتر کرده است. در بسیاری از کلاس‌ها در سراسر کشور، در هر کلاس بیش از ۷۰ دانش‌آموز درس می‌خوانند و زیرساخت‌های آموزش در حال ویرانی‌اند.

معلمان تونس، که مستمراً برای بهبود آموزش عمومی مبارزه می‌کنند، در صفوف مقدم جنبشی که در اوایل سال ۲۰۱۲ به سرنگونی بن‌علی انجامید، نیز حضور داشتند.

اعتصاب معلمان با زمان امتحانات در تونس منطبق شده است. این هم‌زمانی مورد اعتراض برخی از دانش‌آموزان قرار گرفته و تعدادی از آنان با تجمع در برابر ساختمان اتحادیه‌ی معلمان، اعتراض خود را ابراز کرده‌اند.

اما اتحادیه توضیح می‌دهد که تقصیر این وضعیت با دولت است و نه با معلمان.

* * * * *



کارگران ایران:

کارگران کاشی کویر یزد اعتصاب کردند



خلیل کریمی به اداره اطلاعات سنندج احضار شد



اتحادیه آزاد کارگران ایران:

در پی اعتصاب و اعتراض‌های اخیر کارگران کارخانه‌ها ی یزد این بار کارگران کارخانه کاشی کویر یزد با اعتراض به وضعیت مالی بد این کارخانه و مشکلات معیشتی خود تجمع کردند.

مسئولین کارخانه کاشی کویر یزد به جای پاسخ گویی به این اقدام، با احضار نیروی انتظامی در محل پاسخ این کارگران را داده‌اند.

بنابه گزارش رسیده، اعتراض کارگران این کارخانه به اندازه‌ای بالا گرفت که کارگران با تجمع در مقابل این شرکت مانع از ورود و خروج ماشین‌ها و بارگیری شده‌اند. بر اساس گفته یکی از کارگران از ماه اردیبهشت تا کنون کارگران تنها ۶ مرحله دستمزد آن هم بصورت ناقص دریافت کرده‌اند که در پی این بی‌عدالت کارخانه تاکنون ۹ بار اعتصاب و اعتراض کرده‌اند!

* * * * *

مدیریت ایرانخودرو

در برابر اعتراض کارگران عقب نشست



اتحادیه آزاد کارگران ایران:

بدنبال عکس العمل قاطعانه دیروز کارگران ایرانخودرو به نامه‌ای مبنی بر پرداخت ۲۰۰ هزار تومان پاداش دنا که توأم با خواباندن تولید و تجمع کارگران در محوطه‌های مشرف به سالن‌ها بود مدیریت شرکت بلافاصله اقدام به جمع آوری این نامه از قسمت‌های مختلف کارخانه کرد.

خلیل کریمی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، به اداره اطلاعات سنندج احضار و پس از نزدیک به سه ساعت بازجویی آزاد شد.

در این بازجویی مامورین ستاد خبری اداره اطلاعات شهر سنندج با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران، متنی را مبنی بر اینکه اینجانب (خلیل کریمی) تاکنون عضو و فعال اتحادیه آزاد کارگران بوده‌ام و از این پس از این اتحادیه استعفا می‌دهم در برابر او گذاشتند و از وی خواستند تا آن را امضا کند.

اما خلیل کریمی با امتناع از امضای این متن، از موجودیت قانونی اتحادیه و تداوم فعالیت‌هایش دفاع کرد.

همچنین در این بازجویی با اشاره به برگزاری تجمع کارگری در مقابل مجلس که روز پنجم اسفند ماه در اعتراض به حداقل مزد خفت بار برگزار شده بود، چنین تجمع‌هایی غیر قانونی اعلام شد و خلیل کریمی در دفاع از حق اعتراض کارگران، برگزاری چنین تجمعاتی را حق مسلم کارگران خواند و بر ادامه فعالیت‌هایش به عنوان یک کارگر در اتحادیه آزاد کارگران ایران تاکید کرد.

در این بازجویی مامورین امنیتی اعلام کردند از این پس با اتحادیه آزاد کارگران ایران برخورد شدیدتری خواهند کرد و به هر شکلی مانع تداوم فعالیت‌های آن خواهند شد.

* * * * *



تجمع کارگران پیمانی منطقه عملیاتی پارسیان

جمعی از کارگران پیمانی منطقه عملیاتی پارسیان در اعتراض به آنچه تاخیر و تبعیض در نحوه پرداخت حقوق می‌خوانند؛ دست از کار کشیده و مقابل ساختمان حراست شرکت منطقه عملیاتی پارسیان واقع در شهرستان لامرد استان فارس تجمع کردند.

* * * * *

تجمع کارگران شرکت برق در مقابل مجلس



جمعی از کارگران شاغل در شرکت برق منطقه‌ای استان تهران (دوشنبه ۱۲ اسفند) مقابل مجلس تجمع کردند. این کارگران معترض که تعدادشان حدود ۱۰۰ تن برآورد می‌شود درباره علت تجمع می‌گویند به دستور دفتر ریاست جمهوری از تاریخ ۱۵ بهمن ماه سال جاری ۳۵ درصد به حقوق کارکنان ستادی وزارت نیرو به عنوان فوق العاده شغل افزوده شده است که سایر کارگران شاغل که خارج از ستاد در مشاغل فنی فعالیت می‌کنند از آن بی‌بهره هستند.

* * * * *

اعتصاب کارگران کنتور سازی ایران و صنایع کم مصرف

در پی تعویق پنج ماه حقوق ۸۲۰ کارگر دو کارخانه «کنتور سازی ایران» و «صنایع کم مصرف ایرانیان» در قزوین، که تحت مدیریت یک کارفرما فعالیت دارند، کارگران این دو واحد صنعتی دست از کار کشیدند و در سالن غذا خوری تجمع کردند.

منابع خبری ایلنا در کارخانه کنتور سازی ایران گزارش می‌دهند تجمع اعتراضی (۱۲ اسفند) به دلیل تعویق ۵ ماه حقوق حدود ۸۲۰ تن از کارگران دو کارخانه کنتور سازی و صنایع کم مصرف ایرانیان صورت گرفته است.

* * * * *

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران ایرانخودرو دیروز در اقدام اعتراضی دیگری تلاش کردند تونلی را که ضلع شمالی این شرکت را در جاده قدیم به ضلع جنوبی آن وصل می‌کند ببندند.

بدنبال این وضعیت ضیائی یکی از معاونین مدیر عامل با دستپاچگی در میان کارگران معترض حضور پیدا کرد و در تلاش برای آرام کردن آنان اعلام کرد: بستن تونل ممکن است اعتراض شما را امنیتی کند.

وی در ادامه صحبت‌هایش مبلغ ۲۰۰ هزار تومان پاداش دنا را که در نامه نصب شده در قسمت‌های مختلف کارخانه مطرح شده بود یک مبلغ علی الحساب عنوان کرد و گفت: از آنجا که هنوز سقف تولید دنا به ده هزار دستگاه نرسیده است این مقدار پاداش در نظر گرفته شده است و مابقی آن با رسیدن سقف تولید دنا به ده هزار دستگاه همراه با پاداش رکورد تولید پرداخت خواهد شد.

بنا بر اظهار کارگران ایرانخودرو چنین اقدامی در رابطه با پاداش دنا، تلاشی از سوی مدیریت برای محک زدن کارگران بود تا چنانچه اعتراضی در این رابطه صورت نگرفت به وعد های دیگر نیز عمل نشود.

این کارگران چنین برخوردی از سوی مدیریت شرکت را طرحی از سوی یکی از مسئولین کارخانه به نام دانشیان می‌دانند که به تازگی و بدنبال اعتراضات کارگران ایرانخودرو در دی ماه سال جاری از ریاست تعاونی خاص کارخانه به معاون ارشد مدیر عامل منصوب شده است.

دیروز بدنبال حضور ضیائی در میان کارگران معترض ایرانخودرو، این کارگران با توجه به سوابق ضد کارگری دانشیان نسبت به انتقال وی از ریاست تعاونی خاص به سمت معاون ارشد مدیر عامل معترض شدند.

* * * * *

اعتصاب کارگران «زمستان یورت»

منابع خبری در استان گلستان از اعتصاب کارگران شاغل در معادن زغال سنگ «زمستان یورت» (معروف به معادن شمال غرب و شرق) خبر دادند.

کارگران معترض به ایلنا گفته‌اند: کارگران معدن زمستان یورت که از دو واحد شمال غرب و شمال شرق، تشکیل شده‌اند ۴ ماه و نیم است که حقوق و مزایا دریافت نکرده‌اند به همین دلیل امروز (۱۲ اسفند) بیش از ۳۰۰ تن از مجموع حدود هزار کارگرشاغل در این معدن دست از کار کشیده و مقابل ساختمان اداری معدن تجمع کرده‌اند. به گفته این کارگر، با وجود اعتصاب کارگران هنوز پاسخ روشنی از سوی کارفرما درباره پرداخت معوقات حقوقی آنان داده نشده است.



کارگران معدن کوشک تجمع کردند

اعتراض صنفی کارگران معدن کوشک با تجمع نزدیک به ۱۰۰ کارگر در مقابل این معدن به ششمین روز کشیده شد. این کارگران که در ابتدای هفته (دوم اسفند) در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق ماه‌های دی و بهمن سال جاری و همچنین اخراج ۱۷ کارگر، در اقدامی اعتراضی، کار در بخش‌های مختلف معدن را متوقف کرده‌اند، وبا تجمع در مقابل معدن کوشک خواستار رسیدگی به وضعیت شغلیشان شدند.

📖 اخبار کوتاه

وعده‌های عملی نشده

به گزارش خبرنگار ایلنا، «آقایار حسینی» با بیان اینکه مشکلات صنفی کارگران کارخانه‌های آجر جیل، متروی اهواز، لوله سازی خوزستان، لوله سازی اهواز و ده‌ها واحد تولیدی دیگر همچنان پابرجاست، از بی‌پاسخ ماندن مطالبات این کارخانه‌ها در طول سال گذشته خبر داد.

* * * * *

اعتراض کارگران فولاد بافت

ایسنا بتاريخ ۱۳ اسفند در لایبای یک گزارش از تعطیلی پروژه فولاد بافت و بیکاری شدن ۱۸۷ کارگر، خبر داد. ایرنا طی گزارشی به تاریخ ۵ بهمن نیز از رکود پروژه فولاد بافت و بیکاری ۴۰۰ کارگر، خبر داد.

* * * * *

ادامه تجمعات کارگران قند ورامین

بیش از یک ماه از تعطیلی کارخانه قند ورامین می‌گذرد اما همچنان به دلیل کمبود مواد اولیه مشکل بلاتکلیفی کارگران این کارخانه پابرجا مانده است.

* * * * *

قند کامیاب تعطیل شد

با تعطیلی کارخانه «قند کامیاب» حدود ۱۴۰ کارگر بدون دریافت سه ماه مطالبات معوقشان نگران از دست دادن امنیت شغلی خود هستند.

* * * * *

اعتراض کارگران کاشی کویر یزد

کارگران کاشی کویر یزد دو ماه حقوق، عیدی و پاداش سال ۹۳ و بن کارگری نیمه دوم سال جاری را طلب دارند، کارگران می‌گویند از مجموع این مطالبات تاکنون تنها ۱۵ درصد از حقوق دی ماه آن‌ها پرداخت شده‌است.

* * * * *

تاخیر در پرداخت دستمزد کارگران پایانه مخازن بوشهر

نزدیک به ۲۰۰ کارگر پیمانی شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر حقوق بهمن‌ماه و حق عیدی پایان سال را دریافت نکرده‌اند.

۹ روز پس از اعتراضات گسترده جامعه پرستاری در مقابل مجلس، بر خلاف وعده‌ها جلسه‌ای که قرار بود (دوشنبه ۱۱ اسفند ماه)، بین نمایندگان جامعه پرستاری، وزیر بهداشت و اعضای هیئت رئیسه مجلس در خصوص پیگیری مطالبات پرستاران برگزار شود به دلایل نامعلومی لغو شد.

📖 حوادث کار



مرگ دو کارگر در مشهد

آتش‌سوزی کارخانه‌ای در مشهد جان دو کارگر را گرفت «در اوایل شب (۱۲ اسفند) در جاده کلات بعد از شهرک صنعتی کارخانه‌ای دچار آتش‌سوزی شد و دو کارگر جوانی که در محل حادثه مشغول به کار بودند، بر اثر سوختگی جان باختند.»

سرپرست ایستگاه ۲۹ آتش‌نشانی مشهد قانون اصلی حریق را منبع چهار هزار لیتری روغن در یکی از سوله‌های این کارخانه اعلام کرده است. خبرگزاری ایلنا به نام کارخانه اشاره‌ای نکرده است.

* * * * *



چهار کارگر در معدن منگنز و نارچ کشته و زخمی شدند

دو کارگر بر اثر وقوع حادثه‌ای در معدن منگنز قم کشته و دو کارگر دیگر به شدت مجروح شدند. «محمدجواد باقری» رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان قم، به خبرنگار ایلنا، گفت: بر اثر حادثه‌ای که ساعت ۱۴ و ۲۵ دقیقه یکشنبه ۱۰ اسفند رخ داد، دو کارگر کشته و دو کارگر دیگر به شدت مجروح شدند، خطر نشان می‌شود، معدن منگنز قم، بزرگ‌ترین معدن منگنز خاورمیانه بوده و محل آن در ۲۸ کیلومتری شهر قم، جاده قم-نیزار و نزدیکی روستای ونارچ قرار دارد. گفته می‌شود کارگران این معدن چند ماه است حقوق نگرفته‌اند.

به گزارش ایلنا، کارگران شرکت واحد تهران در این نامه با استناد به آمار رسمی ارائه شده توسط معاونت وزارت کار نوشته‌اند که طی ده سال گذشته قدرت خرید کارگران به یک سوم کاهش یافته است.

آنان در ادامه آورده‌اند: ما امضاء کنندگان این نامه هم فریاد با میلیون‌ها کارگر ایران با محکوم کردن این تخلف و روند ناعادلانه ضد کارگری، آنچه‌ان که متخلفاتی مانند سعید مرتضوی رییس سابق سازمان تامین اجتماعی و محمدرضا رحیمی معاون رییس جمهوری پیشین و نظایر دیگر توسط قوه قضاییه محاکمه و محکوم به مجازات زندان شدند خواستار محاکمه و مجازات مدیران و مسوولان متخلف این بی‌عدالتی‌های ضد انسانی هستیم.

اطلاعیه‌ها

نامه کارگران شرکت واحد به وزیر کار:

تخلف در تعیین مزد کارگران قابل محاکمه است

کارگران شرکت واحد تهران از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواسته‌اند که به فریاد دادخواهانه کارگران گوش سپرده و برابر ماده ۴۱ قانون کار برای سال ۱۳۹۴ دستمزدی را تعیین نمایند که معیشت یک خانوار کارگری و بازنشستگان کارگری را تامین نماید.

کارگران و بازنشستگان در این نامه حق خود دانسته‌اند که برای پیشبرد این «خواسته عادلانه» و تامین رفاه و عدالت اجتماعی به آن وزارتخانه و سازمان تامین اجتماعی و دیگر مراکز مربوط مراجعه و خواسته و اعتراض خود را علیه بی‌عدالتی‌ها اعلام کنند.

گفتنی است ماده ۴۱ قانون کار دو معیار «نرخ تورم» و «سبب هزینه یک خانوار چهار نفره» را برای تعیین مزد کارگران مشخص کرده است.

کارگران شرکت واحد در نامه که به پیوست طومار به وزارت کار تحویل داده‌اند به تعهدات رییس جمهوری در هنگام انتخابات اشاره کرده و آورده‌اند:

«برپایه اصول جهانی حقوق بنیادین کار و حق چانه زنی کارگران در دفاع از حقوقشان و همچنین منشور حقوق شهروندی که رییس جمهور و دولت یازدهم خود را وفادار به آن اعلام کرده‌اند و بنابر اینکه آن وزارتخانه وظیفه ذاتی و فلسفه وجودیش صیانت و دفاع از حقوق کارگران شریف و زحمتکش و بازنشستگان گرامی تامین اجتماعی است، ما جمعی از کارگران و بازنشستگان کارگری شرکت واحد طبق سنت سالیان گذشته درخواست امضاء شده بیش از هزار تن از کارگران شرکت واحد مبنی بر افزایش عادلانه دستمزد سال ۱۳۹۴ به عنوان نمونه مشت از خروار فریاد دادخواهی میلیون‌ها کارگر به ضمیمه ارایه می‌نماییم.»



ما امضاء کنندگان این نامه، هم فریاد با میلیون‌ها کارگر ایران با محکوم کردن این تخلف و روند ناعادلانه ضد کارگری، آنچه‌ان که متخلفاتی مانند سعید مرتضوی رییس سابق سازمان تامین اجتماعی و محمدرضا رحیمی معاون رییس جمهوری پیشین و نظایر دیگر توسط قوه قضاییه محاکمه و محکوم به مجازات زندان شدند، خواستار محاکمه و مجازات مدیران و مسوولان متخلف این بی‌عدالتی‌های ضد انسانی هستیم.

بیش از هزار کارگر شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران در آستانه تعیین مزد ۹۴ با امضای طوماری خطاب به وزیر کار از او خواسته‌اند فریاد عدالت خواهی کارگران و بازنشستگان را شنیده و به آن رسیدگی و ترتیب اثر بدهد.



هشدار جدی کارگران به کارفرمایان و دولت



اما این سطح اعتراض وقتی با واکنش درخوری از سوی مسولین مواجه نشود طبیعی است که نمود تندتری پیدا کند و وارد فاز تجمع اعتراضی می‌شود.

پروین محمدی تصریح کرد: امسال با اعتراضات گسترده‌ای که از سوی طبیف‌های مختلف کارگری صورت گرفت عملاً با این مسئله مواجه شدیم که دیگر نمی‌توان با ارائه آمار و ارقام نادرست از نرخ تورم کارگران را ساکت کرد. شرایط سخت تامین معیشت، بالا رفتن خط فقر و دور شدن از سطح استانداردهای واقعی زندگی باعث شده کارگران نسبت به حق و حقوق واقعیشان آگاه‌تر شوند.

به گفته این فعال کارگری، حتی اگر توافقات انجام شده در شورای عالی کار منجر به اضافه شدن صددرصدی دستمزدها شود باز هم کسری و عقب ماندگی این سی و چند ساله جبران نمی‌شود و به همین جهت است که ما می‌گوییم یک جایی دولت باید بیاید و تخلفاتی که در طی سال‌ها در مورد مزد کارگران صورت گرفته و طی آن درصدی از مزد کارگران در جیب کارفرما و دولت رفته جبران کند. در شرایط فعلی این امر تنها با در نظر گرفتن معیار متناسب سازی دستمزد با سید معیشت امکان پذیر است.

وی ادامه داد: سید معیشتی که توسط نمایندگان جامعه کارگری تعریف می‌کنند رقم سه میلیون را نشان می‌دهد. این ارقام واقعی است و براساس خط فقر محاسبه می‌شود. در بسیاری از نقاط دنیا این گونه ارقام را با توجه به خط رفاه محاسبه می‌کنند اما اینجا همچنان درگیر تعریف خط فقریم.

به گفته پروین محمدی در شرایطی که دولت با آزادسازی قیمت‌ها همچنان به فکر پر کردن خزانه خود است چرا سهم کارگر باید کمتر از میزان واقعی پرداخت شود.

وی گفت: دولت به فکر نجات خود و پرکردن خزانه خودش است. با آزاد سازی قیمت نان و قیمت بنزین در واقع در حال پیگیری همین سیاست است. آن وقت چطور زمانی که به دستمزد کارگران می‌رسد قضیه کم اهمیت می‌شود. کارگر در واقع نیروی کارش را می‌فروشد و کمترین انتظارش این است که حق و حقوقش را متناسب با نیازش دریافت کند.

محمدی، افزایش دستمزد را ناشی از تسلط گروهی بر منابع اقتصادی دانست که به گفته وی امکان مهار آن‌ها از طرف دولت هم وجود ندارد.

پروین محمدی که یکی از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰هزار امضاء برای افزایش مزد در سال ۹۱ نیز بود در ارتباط با موانع افزایش واقعی مزد گفت: بخشی از اینکه این کار به نتیجه نمی‌رسد ناشی از ضعف نمایندگان کارگری در شورای عالی کار است. متأسفانه کارگران به خاطر نداشتن تشکلهای مستقل همواره ضرر کرده‌اند و به سختی به مطالباتشان رسیده‌اند.

محمدی در پایان گفت: تشکلهای غیر مستقلی که با دخالت مستقیم دولت و وزارت کار تشکیل می‌شوند هرگز نمی‌توانند به خوبی مطالبات کارگران را پیگیری کنند.

یک کنشگر صنفی کارگران در ارتباط با بعضی از گمانه زنی‌ها در خصوص اینکه دستمزد ۹۴ بر اساس نرخ تورم ۱۵ درصدی محاسبه می‌شود گفت: شرایط سخت تامین معیشت به گونه‌ای شده که دیگر نمی‌توان با ارائه آمار و ارقام غیرواقعی از نرخ تورم، کارگران را نسبت به آینده امیدوار کرد.

پروین محمدی در این باره به ایلنا گفت: موج اعتراضات کارگران اصناف مختلف جامعه کارگری همچون پرستاران و معلمان در چند روز گذشته هشدار جدی برای دولت و کارفرمایان در خصوص تعیین دستمزد ۹۴ است.

محمدی، بالا رفتن خط فقر را معیاری مناسب برای تاکید بر شاخص سید معیشت (تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون کار) در تعیین میزان دستمزد دانست و گفت: سه دهه است که مزد واقعی به کارگران داده نشده است.

این تنها حرف کارگران نیست. مسولان دولتی هم بارها و بارها به این نکته اذعان کرده‌اند. اینکه خودشان هم اذعان می‌کنند سهم کارگر داده نشده، پس معلوم است که کارگر کار کرده اما سهمش در جیب دو طرف دیگر معامله یعنی دولت یا کارفرما مانده است و به او داده نشده است.

به گفته این فعال کارگری، ضرباتی که در طی سال‌های متمادی پیکره جامعه کارگری را نحیف و ناتوان کرده است، کارگران در شرایطی قرار دارند که از همه بی‌توجهی‌ها به وضعیت معیشتشان خسته شده‌اند و اکنون صدای اعتراضشان بلند است.

وی ادامه داد: تمام کارگران ایران سال هاست که در گیر واقعیت مسلمی به نام تامین سید معیشت هستند. موضوع اعتراض‌های کارگران هم مسئله تازه‌ای نیست. کارگران هر ساله مجبور بودند خودشان را به هر شکلی با وضعیت اقتصادی کشور و شرایط پرنوسان بنگاه‌های اقتصادی تطبیق دهند.

در آن زمان هم کارگران علی‌رغم صبر و تحملی که داشتند سعی می‌کردند اعتراضات خود را نسبت به شرایط نابسامان معیشتی در سطوح مختلفی بروز دهند. این اعتراضات گاه با امضای طومار یا نامه نگاری پیگیری می‌شد.



صدای کارگر

نقدی بر تشکل‌های کارگری

(قسمت اول)



مطلب زیر توسط جمعی از فعالان با سابقه کارگری جنوب برای کانون مدافعان حقوق کارگر ارسال شده است که مطالعه آن خالی از لطف نیست.

کانون مدافعان حقوق کارگر!

با دروهای گرم کارگری و رفیقانه، و آرزوی موفقیت برای شما در پیشبرد فعالیت‌های سیاسی و کارگیتان، مطلب ارسالی ضمیمه، حول وحوش مقوله سندیکا و اتحادیه‌های کارگری توسط یکی از رفقای ما نوشته شده، و نگاهی به نظرات دو تن از رفقای کارگری داشته، که در پیام سندیکا فعالیت می‌کنند، به عللی که برای ما روشن نیست، دوستان پیام سندیکا تا کنون که بیش از یک ماه از دریافت نامه توسط آنان می‌گذرد، از چاپ و نشر این یادداشت خوداری کرده‌اند.

از آنجا که ما جمعی از فعالان کارگری جنوب - احیاء گران سندیکائی براین باوریم که یادداشت رفیقمان جمیل، حاوی نکات و نقطه نظرانی خواندنی پیرامون سندیکا است، چنانچه شما آن را دارای قابلیت چاپ در سایت یا در مطبوعات کانون مناسب دانستید، آن را با همان امضائی که در پایین دارد، چاپ نمائید. با آرزوی موفقیت برای شما.

فعالان کارگری جنوب

احیاگران تشکل سندیکائی ۱۳۰م بهمن ماه ۹۳

کارگران، سندیکا، نشریه پیام سندیکا

یکی از معضلات سازمان یابی کارگران، شقه شقه شدن فعالان عرصه جنبش کارگری است. این مسئله و موضوع که هرچند نفری در قالب یک تشکل و محفل برای خودشان برنامه و دیدگاه نظری تدوین نموده‌اند و حاضر نیستند از چارچوب این مجموعه‌های ناکارآمد خود ساخته، اندکی فراتر روند، می‌شود گفت یکی از نقاط منفی و باز دارنده‌ای بوده که به شدت به همبستگی کارگری تا کنون لطمه زده، هرچند در سال‌های اخیر رغبت بیشتری برای همکاری ایجاد شده است.

کارگران و زحمتکشان و فعالان کارگری در ابعاد کلان می‌توانند روی محوری‌ترین موضوعات مربوط به طبقه کارگر در یک همبستگی هرچند مشروط و نانوشته تفاهم کنند و جلو زبان و ضررغیرقابل جبرانی را بگیرند که از این رهگذر به کارگران و زحمتکشان وارد می‌شود. فرصت از دست رفته، بی‌بازگشت است.

نمی‌توان از این ضرورت غفلت نمود و مسئله سازمان‌یابی و اتحاد کارگری را که هدف اصلی همه است، جا گذاشت و روی حاشیه‌ها بحث جدال راه انداخت. اینکه هرکدام از فعالان و نیروهای مدعی حرف خودشان را بزنند و ساز خود را کوک کنند، در این صورت تشکل‌یابی کارگران حداقل اینکه در کوتاه مدت انجام نمی‌گیرد و در طولانی‌مدت هم زمان بیشتری را باید هزینه کرد.

این شیوه کار! و یک کاسه نکردن نیروی فعالان، بیشترین صدمه را به طبقه کارگر می‌زند. به خصوص در شرایطی که تهدیدات سرمایه‌داران علیه کارگران هر روز دامنه بیشتری پیدا می‌کند، هم وضعیت حقوقی و معیشتی کارگران را هدف قرار داده‌اند، هم اینکه طرح محدودیت‌های صنفی - سیاسی و حقوقی طبقه کارگر را در برنامه و فکر خود دارند.

در مقابله با این وضعیت و در ادامه تلاش‌هایی که انجام می‌گیرد، ضرورت برداشتن گام متحد در جهت سازمان‌یابی کارگران، امر حیاتی و جدی همه نهادها و فعالان طبقه کارگر تبدیل می‌شود.

به رغم سرکوب طبقه کارگر و بگیر و ببند، زندان و تبعید کردن فعالان کارگری، مجموعه‌های بزرگ و کوچک و منفردین زیادی وجود دارند که در اشکال متفاوت و پراکنده‌ای به ادامه کاری و فعالیت خود تداوم می‌دهند. چنانچه فعالان با احساس مسئولیت بیشتری در قبال طبقه کارگر و وظایفی که بر عهده دارند، انجام وظیفه نمایند، کارگران در مقیاسی بیش از اینکه هست در قالب تشکل‌های صنفی - سیاسی خودشان متشکل خواهند شد و میل و رغبت زیاده‌تر برای فعالیت متشکل در میان آنان بوجود خواهد آمد.

هر چه زمان بیشتر می‌گذرد، مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی، ابعاد وسیع‌تری پیدامی‌کند. کارگران و عناصر فعال با رنج و محنت بیشتری روبرو می‌شوند، به نقش و اهمیت سازمان‌یابی مبارزه روزمره در رویارویی با مشکلات اجتماعی و معیشتی و گرفتاری‌های خودشان بیشتر واقف می‌شوند.

امروز بهتر از همه سال‌های گذشته، عموم توده‌های کارگر و زحمتکش متوجه شده‌اند که در رویارویی با مشکلات، خودشان باید دست به کار شوند، و به درستی پی برده‌اند که هیچ عاملی سعادت و آسایش آنان را تامین نمی‌کند، جزء اینکه دستان نیرومند همدیگر را بگیرند، و با شانه به شانه قرار گرفتن کنار هم، می‌توانند بهبودی و گشایشی در زندگی اجتماعی محنت بار خود ایجاد کنند.



عوامل بسیار متفاوت دیگری در مسیر فعالیت سندیکا می‌توانند موثر باشند.

همین عوامل متفاوت است که هر سندیکائی در عین داشتن اشتراک با دیگر سندیکاهای همسو، دارای وضعیت متفاوت و منحصر به خود است، و مارا ملزم می‌کند در تلاش برای پیشبرد مبارزه متحد کلیه کارگران درون سندیکاهای حساسیت زیاد و دقیق، طوری نظراتمان را طرح کنیم که تمامی اجزای جنبش سندیکائی؟! یا مجموعه سندیکاهای رادربریگیرد.

همین تفاوت‌ها است که به مسئولین ورهبران سندیکائی که وظیفه هدایت سندیکاهارا به عهده دارند، گوشزد می‌نماید که نباید اسیر تنگ نظری‌های شخصی و موضعی شوند. چون با ترویج ایده‌های فرقه‌ای، مبارزه کارگران درون این تشکلهای به بیراهه‌ها کشیده می‌شود. انتخاب شعار، دادن پیام و پیشنهاد و تحلیل‌ها بخصوص وقتی برای دو یا چند سندیکا ویا برای شورای سندیکاهای باشد، باید منطبق با مبارزه سیال و جاری کلیه کارگران باشد.

ایده‌ها و خواست‌های طبقه کارگر در تشکلهای سندیکائی متنوع است، و هر کدام الویت‌های مبارزاتی جداگانه‌ای دارد، انتخاب شعار و دادن رهنمود مبارزه باید در جهت کمک به مبارزه عموم کارگران، و کارگران درون کلیه سندیکاهای

تقریباً ده سال پیش از این، و همزمان با وضعیت نسبی اعتلائی که در جامعه بوجود آمده بود، در صنایع و محیط کاری که مشغول بودیم در هماهنگی و مشورت با همدیگر، در یکی دو صنایع در این منطقه اقدام به تشکیل سندیکا نمودیم.

سندیکاهای ما محصول زمان خود بود، برآمد و بر گرفته از شرایطی که تازه چتر اختناق پس از بیست و چند ساله داشت شکاف برمی داشت. ما هم تجربه امروز را نداشتیم، چیزی را که بسته بودیم، بیشتر از آنچه دوام آوردیم نمی‌توانست حاصلی داشته باشد.

عوامل باز دارنده بیرونی بر نابسامانی‌های درونی سرجمع شد، محیط اختناق زده پلیسی، تصمیمات شتابزده و عجولانه برخی، ابهامات‌گاه بگاه ذهنی در مورد مسائل و تصمیم گیری‌های نادرست و بی جا، روی بعضی موضوعات و پیش آمدها، ناتوانی و محافظه کاری برخی دوستان دیگر، موجب ناپایداری سندیکاهای ما را فراهم آوردند.

فعالیتیمان سه - چهار سالی بیشتر نتوانست تداوم پیدا کند. اما برای ما بی تجربه نبود. همان فعالیت نیمه کاره است، که به ما این درس و اعتماد را می‌دهد که با اشتیاق به مسائل سندیکائی نگاه کنیم، هم اینکه فکر می‌کنیم جدی‌تر باید به نقد این تشکل پایه‌ای طبقه کارگر توجه کرد.

چند ماهه اخیر شماره‌هایی از نشریه پیام سندیکا به دستمان رسیده، این شماره‌های معدود را با میل و علاقه خواندیم، نتوانستیم در مقابل تلاشی که فعالان کارگری حول و حوش این نشریه در راستای مبارزه حقوقی و صنفی - سیاسی کارگران می‌کنند بی تفاوت باشیم.

اما! رویارویی با مشکلات و بیرون آمدن از این شرایط غیر قابل تحمل تنها با اتحاد، هم فکری همگان و با برنامه و تشکل می‌سر است و نه چیز دیگری! موضوع تشکل‌یابی و چگونگی آن و اینکه با چه راه‌کارهایی می‌توان از عهده آن بر آمد، امر مهم و مسئله گزینی است! تشکل‌هایی پا گرفته اما هنوز اکثریت طبقه کارگر فاقد سازمان‌های مبارزاتی خودش است.

همه تلاشی که از طرف همگان انجام می‌گیرد، در راستای تحقق همین امر است. در ادامه همین فعالیت است، که هر کدام از فعالان و تشکل‌های بانی، تلاش می‌کنند ظرف‌های تشکل‌یابی مورد نظر خود را ابتدا اولویت بدهند و بعدا تعاریف متفاوتی در مورد نوع و شیوه فعالیت آن ارائه داده می‌شود.

سندیکا یک تشکل مبارزاتی پایه‌ای، پایدار و توده‌ای طبقه کارگر است که در راستای تحقق عموم خواست‌ها و مطالبات فوری - روزمره و موضوعات کلان صنفی- سیاسی و اجتماعی مرتبط با طبقه کارگر مبارزه می‌کند. کارگران اولین درس‌های جمعی و مبارزاتی خود را در سندیکاهای فرا می‌گیرند.

سندیکا، کارگاه تجربه، و محل آموزش و یادگیری برداشتن گام‌های آغازین مبارزه کارگری است. کارگران طعم همبستگی و اتحاد و فعالیت جمعی و عمومی را در اتحادیه‌ها و سندیکاهای می‌چشند. سندیکاهای نمادهای کوچکی از وحدت جهانی طبقه کارگر در کشور خودشان هستند. البته، سندیکاهای و اتحادیه‌ها و تشکل‌های این چنینی، همیشه مناسب با تعریفی که ما از قبل از آنان داریم، ویا آن طور که می‌خواهیم نیستند، مسیر مبارزه بیشتر در نحوه شکل گیری و نوع تشکل تاثیر دارد.

سندیکاهای کارگری در دست مبارزه و در شرایط و محیطی که کارگران کار و فعالیت می‌کنند شکل می‌گیرند. علیرغم مشابهت‌های کلی که با هم دارند، وضعیت‌های مبارزاتی متفاوتی می‌توانند با هم داشته باشند. سندیکاهای در کشورهای اروپائی یک عمل دارند، در کشور ما، ویا کشورهای آمریکای لاتین شکل مبارزه و آهنگ مبارزه آنها می‌تواند متفاوت باشد. اساسا توان و نوع فعالیت و مبارزه سندیکاهای برمی گردد به وضعیت صنعت، کارخانه، پروژه ویا هر نهاد خدماتی دیگری که کارگران در آن کار و فعالیت می‌کنند.

تعداد کارگران عضو، سطح آگاهی آنان و موارد ریز و درشت مرتبط با کارگران در مبارزه سندیکائی آنان بسیار موثر است. مبارزه سندیکائی ابتدا برمی گردد به وضعیت ساختاری و طبقاتی جامعه، و گذار به مراحل پیشا روی در چارچوب ملی، که بی ارتباط با مبارزه فرا ملی در همبستگی با طبقه کارگر جهانی نمی‌تواند باشد. مبارزه هر سندیکائی به میزان حمایت و مقدار مایه‌ای که کارگران عضو و حامی آن، هزینه می‌کنند، بستگی دارد.



تاریخ کارگری

گاه شمار اعتصاب‌های کارگری در ایران



رضا روستا - راه توده

چهارصد کارگر کارخانه «فارس» شیراز که تعطیل شده بود در مقابل عمارت استانداری به تظاهرات دست زده و خواهان پرداخت حقوق معوقه و مستمری برای دوران بیکاری شدند. در خرداد ماه روزنامه «کیهان انترنشنال» خبر اعتصاب کارگران چهار کارخانه نساجی اصفهان را که پرداخت حقوق معوقه را طلب می‌کردند منتشر ساخت. یکی از آن‌ها کارخانه نور بود. مجله «خواندنی‌ها» در شماره ۳۰ آبان سال ۱۳۴۰ نوشت که از سال ۱۳۳۵ کارگران کارخانه «نور» اصفهان ۵۲ بار اعتصاب کرده‌اند.

در شهریور ماه ۱۳۴۰ آتش نشانی‌ها و رفتگران لنگرود دست به اعتصاب زدند. آن‌ها خواهان ۸ ساعت کار در روز و یک روز استراحت در هفته بودند. یک ماه بعد کارگران منجیل اعتصاب کردند. ۲۸ آبان ماه ۱۳۴۰ عده‌ای از نمایندگان کارگران بیکار که در میان آن‌ها راننده، بافنده، ریسنده، سیمانکار، بنا، نجار، مکانیک، جوشکار، ریخته گر، گلگیرساز، وجود داشت به اداره روزنامه رفته و خواستند که مطالبات آنان در روزنامه منعکس گردد.

چهارم دی ماه گروهی از بیکاران تهران در حالی که شعاری در دست داشتند در جلوی کاخ نخست وزیری اجتماع کردند. در شعار مذکور نوشته شده بود: «ما کارگران از متصدیان امور کشور بخصوص نخست وزیر تقاضا داریم تا هر چه زودتر فکری بحال ما کنند». تظاهر کنندگان سپس در جلوی در بازرسی نخست وزیری اجتماع نمودند.

در همین اوان گروهی از کارگران اخراجی کنسرسیوم بین المللی نفت در جلوی اداره کارگزینی شرکت نفت، به تظاهرات پرداختند. کارگران فریاد می‌کشیدند: «با پولی که بنام حق اخراجی بما می‌دهند، گذرنامه‌ای هم ضمیمه کنید تا به کویت برای بدست آوردن کار برویم».

بخصوص موضوع از آنجا برای ما قابل اهمیت است، که نشریه «پیام سندیکا» همانطور که گفته، در هماهنگی و با حمایت اکثریت سندیکاهای کارگری منتشر می‌شود. «پیام سندیکا» از مهر ۱۳۹۰ با نام «پیام فلزکار» توسط هیئت تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک شروع به انتشارکرد که در روز کارگر ۱۳۹۲ با پیوستن زحمتکشان سندیکاهای کارگری «شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» «نقاش و تزئینات» و «نیشکر هفت تپه» واتحاد میان کارگران این سندیکاها درانتشار نشریه ماهانه، نام این مجله به «پیام سندیکا» تغییر یافت و با پیوستن «سندیکای کارگران بنا» در آذر ۱۳۹۲ و نیز ملحق شدن «تحدیه نیروی کار پروژه‌ای» روزکارگر ۱۳۹۳ به هیئت تحریریه پیام سندیکا، این نشریه مستقل صنفی کارگری، قدرت مضاعفی دریافت کرد. «(به نقل از پیام سندیکای شماره ۲۹ ص ۷).

هدف ما نقد نشریه فوق و چند و چون همه مطالب و محتوای این نشریه نیست، بلکه اعتقاد داریم که نشریه سراسری سندیکا یکی از ملزومات مبارزه کارگران متحد در سندیکاها است. همانطور که گفتیم بیشترهدفمان طرح نگاه خودمان پیرامون اتحادیه‌ها و سندیکاها و کارکرد این نهادها است، و نقد نگاه دوتن از دوستان کارگری که درارتباط با سندیکا در نشریه شماره ۲۹ پیام سندیکا مطالب جداگانه‌ای نوشته‌اند.

بیشتر هدفمان تعریف و کارکرد سندیکا است که مطالب این دوستان کارگر را برای نقد انتخاب کرده‌ایم، نه موضع گیری غیر مسئولانه از روی بی‌نیازی! هدفمان انتقاد اصلاحی و سازنده درجهت تقویت مبارزه عمومی طبقه کارگروکارگران متشکل درون سندیکاها است.

هدفمان پاکیزگی و سرعت دادن به مبارزه سندیکائی کارگران است. امیدواریم مسئولین و دوستان مخاطب حرف و نظرمان را تحمل بر پرده دری و فاش گوئی ندانند، و موجب رنجش و رخوت آنان نشود، بلکه حمل بر احساسی رقیقانه بدانند، که دل درگرو کارمشتک و فعالیت متحد دارند.

مجموعاً تعدادنشریات دریافتی را که ما دراین مدت مطالعه کردیم، کمتر از انگشتان یک دست بود، سه - چهار شماره، تنها دو نوشته در مورد ماهیت و فعالیت سندیکا و تعریف این نهاد در شماره ۲۹ این نشریات بود، که توسط مازیار گیلانی‌نژاد و رضا کارشناسان نوشته شده که بیان گر دیدگاه نشریه پیام در مورد سندیکا است.

بعلاوه یک مصاحبه چند صفحه‌ای «گفتگوی صمیمانه بامسئول نشریه پیام سندیکا به مناسبت چهارمین سال انتشار» که درردیف دونوشته فوق است، و این مسئول سعی می‌کند در مورد نوع فعالیت ها و کارکرد سندیکاها و نشریه پیام سندیکا را تشریح نماید. از همین بابت ضمن اشاره واستناد به دو نوشته فوق، درکنارشان به این گفتگو هم احتمالاً استناد خواهیم کرد.

ادامه دارد



رژیم کودتا که از اوج جنبش کارگری در ایران هراسان بود به مانورهای جدیدی متوسل شد. در شهریور ۱۳۴۱ به دستور شاه وزارت کار کنفرانس یک هفته‌ای کار تهران را سرهم بندی کرد.

گرچه مامورین وزارت کار سعی نمودند تا از ورود نمایندگان واقعی کارگران به کنفرانس جلوگیری نمایند، با وجود این پاره‌ای از خواسته‌های کارگران از قبیل جلوگیری از اخراج بی‌مورد کارگران، شمول قانون کار به کارگران کشاورزی، تجدید نظر در حداقل دستمزدها، رعایت حفاظت فنی در کارگاه‌ها و غیره در قطعنامه کنفرانس منعکس گردید. در کنفرانس تهران، علیرغم میل گردانندگان آن، مسئله مهمی چون حق اعتصاب مطرح گردید و از دولت خواسته شد که حق اعتصاب در قانون کار کنج‌انده شود.

تجدید نظر در پاره‌ای از مواد قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی، تصویب قانون سهیم کردن کارگران در سود ویژه کارگاه‌ها، تشکیل سندیکاها دولتی همگام با تشدید ترور و اختناق، حبس و شکنجه و اعدام کارگران از جمله تدابیری بود که شاه برای مهار کردن جنبش کارگری در ایران اتخاذ کرد.

ولی کارگران کماکان به مبارزه خود ادامه دادند. در آبان ۱۳۴۱ کارگران ساختمانی تهران که وزارت کار از ثبت سندیکا آنان امتناع می‌کرد، خواسته‌های خود را طی قطعنامه‌ای به شرح زیر اعلام و اجرای آنرا طلب کردند. در قطعنامه گفته شد:

- وزارت کار سندیکای صنفی ما را به رسمیت بشناسد،
- با آنکه کارگران ایرانی در هر رشته از کارهای ساختمانی تخصص و تجربیات کافی دارند، مع الوصف عده‌ای خارجی که به کار گمارده شده‌اند موجب بیکاری استاد کاران ایران گردیده‌اند. ما جدا خواستار آنیم که از بنا، نجار، آراماتورکار و متخصصان ایران استفاده شود.
- قانون کار و قانون بیمه‌های اجتماعی و مزایای آن در باره کارگران ساختمانی اجرا شود.
- حداقل دستمزد کارگران ساده و استاد کاران ساختمانی بر اساس اشل متحرک تعیین گردد.

- وزارت کار به منظور مشورت در باره بهبود وضع کار و زندگی به پیشنهادهای قانونی نمایندگان سندیکا توجه کند.
- دولت به منظور جلوگیری از شدت بیکاری کارگران ساختمانی در فکر ایجاد کار بوده و در شروع کارهای نیمه تمام ساختمانهای دولتی اقدام نماید. »

۱۸ تیر ۱۳۴۱ روزنامه «بامشاد» خبر اعتصاب جدید ۲۵ هزار کارگر کوره پزخانه‌ها را منتشر ساخت. این روزنامه نوشت: « علت اعتراض نسبت به عدم اجرای قانون کار و استفاده از مزایای بیمه کارگران و حقوق عقب افتاده است.

۲۵ آبان ۱۳۴۲ کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی زاینده رود اصفهان به علامت اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماهه دست به اعتصاب زدند و از خروج پارچه‌های تهیه شده از انبار کارخانه جلوگیری بعمل آوردند و برای احقاق و دریافت دستمزد معوقه کارخانه را اشغال کردند.

روزنامه اطلاعات که این خبر را منتشر ساخت در شماره مورخ پنجم دی ۱۳۴۰ نوشت:

«کارگران اخراجی با پرداخت مبلغ ۴ هزار ریال به قاچاقچیان خانه و زندگی و زن و بچه‌های خودشان را ترک کرده و برای به دست آوردن لقمه نانی به کویت و سایر شیوخ نشین‌های خلیج فارس پنا می‌برند...».

در دی ماه همان سال در بندر معشور ۳۰۰۰ بیکار تظاهرات بزرگی ترتیب دادند. در پلاکات هائی که زحمتکشان بندر معشور در دست داشتند چنین نوشته شده بود:

«هموطنان عزیز! ما اسیر نیستیم. ما برادران زحمتکش شما هستیم. گرسنگی و بیکاری خانواده‌های ما را به مرگ تهدید می‌کند. کودکان ما از ما نان می‌خواهند. به صفوف ما بپیوندید و از دولت بخواهید که به بیکاران توجه کند و خانواده آنها را از مرگ نجات دهد.».

و بالاخره در ۳۰ دی ۱۳۴۰ کارگران کارخانه حریر بافی اصفهان دست از کار کشیدند. کارگران مزبور علت اعتصاب خود را عدم اجرای خواسته‌های قانونی خود از طرف کارفرمای مربوطه اعلام داشتند.

در واقع می‌توان گفت که سال ۱۳۴۰- سال اوج مبارزه توده‌های وسیع کارگران، دهقانان، روشنفکران و کلیه میهن پرستان علیه رژیم ظلم و جور کودتا بود. از ویژگی‌های این دوره از مبارزه، گسترش آن پس از یک دوران چندین ساله مبارزه اعتصابی کارگران به کارمندان و دانشجویان و آموزگاران و سایر زحمتکشان شهر از یک سو و جنبه همگانی آن از سوی دیگر است.

پس از اعتصاب پیروزمندانه کارگران اصفهان در فروردین ماه ۱۳۴۰، اعتصاب آموزگاران در اردیبهشت ماه و سپس اعتصاب کارمندان پست و تلگراف و تلفن تهران نمونه‌ای از مبارزه متحد زحمتکشان ایران در راه بهبود وضع زندگی و تامین آزادی‌های دموکراتیک می‌باشد.

علاوه بر سلسله اعتصاب‌هایی که در فوق از آنها یاد شد، اخبار عمومی رانندگان و کمک رانندگان اتوبوس‌های تهران، اخبار کارگران نانوائی‌ها تهران و سازمان آب، اعلام تصمیم متحده کارگران نفت تهران و همچنین اخبار کارمندان بانک‌ها و موسسات مالی دائر به اینکه اگر توجهی به خواسته‌های مشروع آنها نشود، مبادرت به اعتصاب همگانی خواهند کرد، نمونه‌های برجسته دیگری از اوج نهضت اعتصابی و مطالباتی زحمتکشان کشور در سال ۱۳۴۰ است.

روزنامه انگلیسی «ایونینگ استاندارد» با در نظر گرفتن وضع موصوف طی تفسیری در باره ایران در شماره ۱۵ مه ۱۹۶۱ خود نوشت: «همه این‌ها روزهای واپسین روسیه تزاری را به خاطر می‌آورد.».



پدیده جالب دوران اخیر مبارزه کارگران، استفاده از سندیکاهاى دولتی برای احقاق حقوق خود بود. اعتصاب تاکسی رانان تهران نمونه بارزی از این شیوه صحیح مبارزه است.

اعتصاب تاکسی رانان نشان داد که زحمتکشان می‌توانند از سندیکاهاى دولتی برفع اجرای خواست‌های اکثریت اعضا آن استفاده کنند. مسلماً اگر تاکسی رانان در سندیکای دولتی متشکل نمی‌بودند، نمی‌توانستند خواست‌های خود را با ۱۶ هزار تاکسی ران در میان گذارند، موافقت آن‌ها را جلب و متوسل به حربه اعتصاب گردند.

عین این استدلال در باره اعتصاب خرداد ماه ۱۳۴۳ کارگران کارخانه پشم اصفهان هم صادق است. کارگران این کارخانه هم به علت عدم آزادی تشکیل سندیکا، اجباراً در سندیکای دولتی گرد آمده و پیمان دست جمعی با کارفرما منعقد ساختند.

ولی کارفرما از اجرای مواد پیمان سرباز زد، کارگران متفقا به این نتیجه رسیدند که اعتصاب را آغاز کنند. و چون متشکل بودند توانستند اراده خود را بر کارفرما تحمیل کنند.

مثال دیگر ما اعلامیه ایست که از طرف یک سندیکا- سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک تهران و حومه روز اول ماه مه سال ۱۹۶۵ انتشار یافت.

یکی از اعلامیه‌ها، چنانکه از مضمون آن پیداست، توسط مامورین وزارت کار و سازمان امنیت که بر راس سندیکا قرار دارند تنظیم و بخش گردیده است.

در این اعلامیه نه تنها تاریخ جنبش اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان تحریف گردیده، بلکه کلاً به حمد و نثای شاه اختصاص داده شده است. در مقابل این اقدام سران سندیکا، کارگران آگاه و مبارز که بدون شک اکثریت اعضا سندیکا را هم تشکیل می‌دهند، اعلامیه دیگری با مضمون و محتوی بسی ارزنده و متین منتشر کردند و در پایان اعلامیه خواست عمومی کارگران را بشرح زیر مطرح ساختند:

- اصلاح و اجرای قوانین کار و سازمان بیمه‌های اجتماعی و تعمیم آن با شرکت مستقیم نمایندگان منتخب کارگران در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها سراسر کشور.

- برای رفع بیکاری مزمین شهرها و دهات که دامنگیر اکثریت مردم ایران شده است داروی قطعی دارد و آنهم عبارت است از اجرای فوری احداث صنایع مادر (ذوب آهن و ابزار سازی).

- تجدید نظر در مالیات‌های غیر مستقیم و برقراری مالیات‌های تصاعدی بر درآمدها،

- الغای سریع بیمه تدریجی و شمول بیمه کامل برای عموم کارگران ایران.

- تقویت و حمایت از صنایع داخلی از طریق جلوگیری از ورود کالاهای مشابه خارجی که در ایران تهیه می‌شود.

در ۱۳۴۲ کارگران راه آهن و کارگران نفت چندین بار به اعتصاب‌های کوتاه مدت اقدام نمودند.

روز اول ماه مه ۱۹۶۴ نمایندگان کارگران ۵۱ کارگاه تهران به مناسبت جشن اول ماه مه جلسه مشترکی تشکیل دادند. گرچه جلسه تحت نظارت وزارت کار و با شرکت عده زیادی از گماشتگان وزارت کار در سندیکاها برگزار گردید، با این همه مطالبات عمده کارگران در جلسه مطرح و قطعنامه‌ای در ۱۲ ماده به تصویب رساندند که اهم آن عبارت است از:

اجرای کامل قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی در تمام واحدهای کارگری اعم از صنعتی و صنفی به طور تساوی، لغو فوری ماده ۸ قانون کار و شمول مقررات قانون مذکور در باره کارگران کشاورزی، جلوگیری از اخراج‌های فردی و دسته جمعی و تدوین آئین نامه خاص جهت تامین این هدف، تعیین فوری حداقل دستمزد بر اساس شاخص هزینه زندگی، به رسمیت شناختن حق اعتصاب، تقویت و حمایت صنایع داخلی از راه کنترل صحیح دولتی، تامین مسکن و بیمه بیکاری جهت کارگران ایران و تجدید نظر در مالیات‌های غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی به درآمدهای مستقیم.

مقایسه خواست‌های مندرج در این بیانیه با مطالبات مطروحه در قطعنامه شش ماده‌ای کنفرانس کار تهران، نه تنها نشان دهنده درک عمیق معضلات از جانب کارگران و رشد آگاهی سیاسی آنان است، بلکه در عین حال مبین این نکته نیز هست که در نتیجه تشکل حتی در سندیکاهاى دولتی می‌توان خواست‌های منطقی کارگران را متحداً ارائه داد و زحمتکشان را در راه مبارزه برای اجرای آن متشکل ساخت.

۱۱ خرداد ۱۳۴۳ کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان بعنوان اعتراض نسبت به عدم پرداخت ۲۰ درصد سود کارگران دست از کار کشیدند.

اعتصاب ۷ آذر سال ۱۳۴۳ شانزد هزار تاکسی ران تهران نقاب عوام فریبی را از چهره سران رژیم بر داشت. برخورد رژیم کودتا با اعتصابیون بار دیگر ماهیت ضد کارگری آن را آشکار ساخت.

دولت وظیفه زشت اعتصاب شکنی را بعهده گرفت و وسائط نقلیه ارتش و سایر سازمان‌های دولتی را به جای تاکسی‌های اعتصابی به کار گمارد. سران سندیکای دولتی نقش دلالی دولت را بعهده گرفتند. ولی با وجود این اعتصاب سه روز با وحدت قابل تحسینی ادامه داشت و بالاخره دولت و کارفرمایان تا اندازه‌ای عقب نشستند و روزانه ده تومان از نرخ اجاره برفع تاکسی رانان کاستند.

در اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ کارگران معدن سرب راونج قم بعلامت اعتراض به وضع طاقت فرسای کار و زندگی در تلگراف خانه دلچان بست نشستند. ولی مقامات دولتی به همدستی صاحبان امتیاز معدن کارگران را از تلگراف خانه بیرون ریختند.



تجمع ساعت ۱۴ با حضور تدریجی معلمان از ساعت یک کم کم شکل گرفت. دست نوشته‌هایی در دست معلمان حاضر به چشم می‌خورد که می‌توان به شعارهای زیر اشاره کرد:

بودجه آموزشی هزینه نیست، سرمایه گذاری برای آینده است / خط فقر سه میلیون حقوق معلم یک میلیون / اصلاح نظام آموزشی / تحقیر اجتماعی و اقتصادی معلم تا کی؟ / معلم جایش زندان نیست، معلمان زندانی را آزاد کنید / خصوصی سازی آموزش و پرورش باید متوقف شود / فعالیت صنفی و تشکل یابی مستقل حق ماست / معلم بیدار است از تعیض بیزار است / نظارت بر صندوق ذخیره حق ماست / امنیت معلم تامین باید گردد نه زندان نه تهدید- نه اخراج نه تبعید / فعالان صنفی معلمان را آزاد کنید / دریافتی برابر با کارمندان دیگر / آموزش مدرن و مبتنی بر نیازهای جامعه /

در روی برگه دیگری نوشته شده بود که رای عدم اعتماد به وزیرمحبوب را فراموش نمی‌کنیم. این نوشته با اعتراض معلمان دیگر روبرو شد معلمی می‌گفت هنوز پرونده ایشان در دادگستری در حال بررسی است این شعار را پایین بیاورد.

برگه‌هایی با متن «تجمع اعتراضی سکوت» بین حاضران توزیع می‌شد. بسیاری این نوشته را بر روی دهان و صورت و پیشانی خود گذاشته بودند. عده‌ای هم می‌پرسیدند: «سکوت چرا؟»

به تدریج به تعداد معلمان حاضر افزوده می‌شد. معلمان از مناطق مختلف تهران، سمنان، اسلامشهر، کرج و سایر شهرها در این تجمع شرکت داشتند. معلمان دسته دسته، روی مساله علت تجمع و شرایط کاریشان صحبت می‌کردند. تعدادی از دانش‌آموزان نیز به حمایت از معلمان خود در تجمع شرکت داشتند.

در ساعت ۴ متن بیانیه معلمان خوانده شد. به دلیل اینکه بلندگویی در اختیار آنان نبود، تعدادی از معلمان متن بیانیه را به صورت جمعی تکرار می‌کردند.

به این ترتیب تجمع پایان یافت. حاضران به صورت جمعی به سمت مترو به راه افتادند و راهپیمایی کوتاهی به این ترتیب شکل گرفت. ماموران مترو که از حضور این همه جمعیت نگران شده بودند با بازکردن راه‌های ورودی، خروج معلمان را تسریع کردند.

- بوجود آوردن تسهیلات کافی جهت تشکیل سندیکا و اتحادیه‌های کارگری.
- تعیین حداقل دستمزد با توجه به شاخص هزینه زندگی طبق بیلان بانک ملی.
- شناختن حق اعتصاب که تنها سلاح طبقه کارگر است طبق موازین بین المللی.
- جلوگیری از اخراجهای فردی و دسته جمعی.

نه تنها خواست‌های کارگران مندرجه در این اعلامیه، بلکه شعارهایی از قبیل: «مبارزه، وحدت، پیروزی شعار ما کارگران است!» حاکی از درک عمیق معضلات سیاسی و اجتماعی از جانب کارگران است. بدین سان مشاهده می‌شود که در صورت متشکل شدن کارگران، وجود عوامل احزاب دولتی، وزارت کار و غیره در سندیکاها، نمی‌تواند نقش قاطع در تغییرمسیر مبارزه کارگران داشته ایفا کند.

گزارش

سومین تجمع اعتراضی معلمان



یک شنبه از ساعت ده معلمان در مقابل مجلس حاضر بودند. صبح معلمان بازنشسته از ساعت نه حاضر شده و شعارهایی در اعتراض به وضعیت معیشتی خود سر دادند.

رئیس کمیسیون آموزش مجلس در جمع معلمان حاضر شده و با گفتن این مساله که مجلس افزایش حقوق شما را تصویب کرد ولی دولت با این مساله مخالفت کرد، سعی داشت توپ را به زمین دولتیان باندازد.

معلمان حاضر در تجمع با هو کر دن پاسخ ایشان را دادند. گفته می‌شد که در تجمع صبح چند تن دستگیر شدند.